

www.ketab.ir

الگوهای تغییرات سبک شناختی در معماری اسلامی سنت‌های محلی در مواجهه با هنرمندان مهاجر

نوشته میسائیل ماینکه | برگردان دکتر علی اسدپور
دانشیار دانشگاه هنر شیراز

Meinecke, Michael

ماینکه، میسائیل، - ۱۹۴۱ م.
الگوهای تغییرات سبک شناختی در معماری اسلامی؛ سنت‌های محلی در مواجهه با هنرمندان مهاجر/
نوشته میسائیل ماینکه؛ برگردان علی اسدیپور.
مشهد: کتابکده کسری، ۱۴۰۲.

۱۸۰ ص.؛ مصور.

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۶۱-۹

Patterns of stylistic changes in Islamic architecture:
local traditions versus migrating artists.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی:

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: نمایه.

Islamic Architecture

موضوع: معماری اسلامی
شناسه افزوده: اسدیپور، علی، (۱۳۶۱ -)، مترجم
رده بندی کنگره:

NA۳۸۰

۷۲۰/۹۵۶

۹۳۴۷۲۹۵

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



کتابکده تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

الگوهای تغییرات سبک شناختی
در معماری اسلامی
سنت‌های محلی در مواجهه با هنرمندان مهاجر

مطالعات
تاریخی
معماری

Historical Studies
in Architecture

هسته پژوهشی مستندنگاری،
سندپژوهی و تاریخ نگاری

Shiraz University of Arts / HistArch@shirazartu.ac.ir

نوشته میسائیل ماینکه
برگردان علی اسدیپور (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر شیراز)

© حقوق قانونی و انحصاری ترجمه، انتشار و فروش این کتاب به زبان
فارسی به‌طور رسمی از انتشارات دانشگاه نیویورک اخذ شده است.

ویراستار: محدثه اعزازی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۶۱-۹

Copyright © 1996 by New York University.

All rights reserved. Authorized translation from the
English-language edition published by New York
University Press. The publication of the English lan-
guage edition has been aided by a grant from the
Hagop Kevorkian Fund.

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱ ۳۷۶۷۰۰۱۹

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات و مترجم محفوظ است. هر گونه تصویربرداری و تکثیر
اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمامی یا بخشی از کتاب ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

فهرست

- یادداشت مترجم..... ۹
- دبیاچه..... ۱۱
- پیشگفتار..... ۱۳
- مقدمه..... ۱۵
-
- فصل ۱) کار اجباری در معماری متقدم اسلامی: نمونه موردی رقه/ رافقه در کرانه فرات ۱۹
-
۱. رقه/ نیکفور یون: اسلامی سازی یک شهر کلاسیک..... ۲۱
۲. رافقه: کلان شهر متقدم اسلامی..... ۲۳
۳. هارون الرشید در رقه: کانون جدید جهان اسلام..... ۳۰
۴. کار اجباری در برابر مکاتب معماری محلی..... ۳۸
-
- فصل ۲) بصری: از ایالت عربی به درب حج ۴۵
-
۱. شکوفایی دوباره به دست امین الدوله کُشتکین..... ۴۹
۲. روزگار زرین صالح اسماعیل..... ۵۲
۳. بصری در کسوف: روزگار مملوکان..... ۵۸
۴. محدودیت‌های سبک‌های محلی معماری..... ۶۲
-
- فصل ۳) حَصْنِکِیْف/ حِصْنِ کِیْفَا بر کرانه دجله: کانونی منطقه‌ای بر تقاطع تأثیرات بیگانه ۶۹
-
۱. روزگار اَرْتَقِیَان..... ۷۲
۲. تجدید حیات ایوبیان..... ۷۹
۳. اوج روزگار ایوبیان: سلطنت عادل سلیمان..... ۸۵
۴. روزگار آق‌قوینلوها..... ۹۱
۵. جنوب غربی در مواجهه با شرق..... ۹۵

فصل ۴) معماری مملوکی و امپراتوری عثمانی: شکل‌گیری سبک‌های تازه معماری ۱۰۵

- ۱۰۷..... ۱. دوره شکل‌گیری معماری عثمانی
- ۱۱۵..... ۲. معماری عثمانی پس از فتح قسطنطنیه
- ۱۲۲..... ۳. سرآمدی عثمانیان پس از فتح قاهره
- ۱۲۴..... ۴. الگوهای تغییرات در سبک‌های معماری
- ۱۳۳..... نگاره‌ها
- ۱۶۳..... پیوست
- ۱۶۵..... نمایه
- ۱۶۹..... واژه‌نامه فارسی-انگلیسی
- ۱۷۲..... واژه‌نامه انگلیسی-فارسی
- ۱۷۵..... واژه‌نامه توضیحی

فهرست تصاویر

- تصویر ۱: نقشهٔ جانمایی رقه؛ نقشهٔ جانمایی ۲۰
- تصویر ۲: باروی رقه/رافقه ۲۶
- تصویر ۳: مسجد جامع عباسی رقه/رافقه، پلان بازسازی شدهٔ همکف ۲۹
- تصویر ۴: بخش شرقی کاوش‌های شهر کاخ رقه/رافقه ۳۵
- تصویر ۵: بخش شرقی کاوش‌های مدینه رقه/رافقه: مجموعهٔ شرقی ۳۶
- تصویر ۶: بخش شمال شرقی کاوش‌های مدینه رقه/رافقه: بازسازی شدهٔ پلان بنای ۳۷
- تصویر ۷: درب حج؛ راه‌های جایگزین در جنوب سوریه ۴۶
- تصویر ۸: بصری؛ نقشهٔ مکان قرارگیری یادمان‌ها ۴۸
- تصویر ۹: مسجد عمری بصری؛ پلان همکف ۵۱
- تصویر ۱۰: پلان و برش‌های برکهٔ حج در بصری ۵۶
- تصویر ۱۱: حمام منجک بصری، پلان همکف؛ حمام توریزی دمشق، پلان همکف ۶۰
- تصویر ۱۲: حمام منجک بصری، بازسازی آگزونومتری ۶۲
- تصویر ۱۳: مزریپ، خان، بازسازی پلان همکف ۶۳
- تصویر ۱۴: حصنکیف: نقشهٔ موقعیت یادمان‌ها (وضعیت سال ۱۹۳۲) ۷۱
- تصویر ۱۵: پل‌های ارتقیان و زنگیان ۷۵
- تصویر ۱۶: حصنکیف، نشانه‌های بتایان ارتقیان ۷۷
- تصویر ۱۷: مسجد سلطان سلیمان/ مدرسهٔ عادل غازی در حصنکیف، پلان اولیه ۸۴
- تصویر ۱۸: مسجد کوچک/مدرسهٔ عبدالله ابن ماوردی در حصنکیف: پلان کلی ۸۶
- تصویر ۱۹: مسجد ارگ در حصنکیف: پلان اولیه ۸۹
- تصویر ۲۰: پلان اولیه جامع رزق در حصنکیف ۹۱
- تصویر ۲۱: مسجد کوچک در حصنکیف: پلان اولیه ۹۲
- تصویر ۲۲: مرقد در حصنکیف: پلان اولیه ۹۳
- تصویر ۲۳: مشهد امام محمّد بن عبدالله طیار در حصنکیف: پلان اولیه ۹۶
- تصویر ۲۴: مسجد اولو، مسجد یشیل، مسجد اوچ سرفلی ۱۱۲

- تصویر ۲۵. پلان مسجد نصیر محمّد در ارگ قاهره ۱۱۳
- تصویر ۲۶. پلان مسجد عیسی بیگ در سلجوق ۱۱۴
- تصویر ۲۷. پلان بازسازی شده مسجد یلبوغا یحیوی دمشق ۱۱۵
- تصویر ۲۸. پلان مسجد محمّد فاتح، پلان مسجد بایزید دوم ۱۱۹
- تصویر ۲۹. پلان مسجد شاهزاده استانبول ۱۱۹
- تصویر ۳۰. پلان مرقد عثمان ابن اوغولنک، مسجد الیاس بیگ، قبه الفداویه، و مسجد داوود پاشا ۱۲۱
- تصویر ۳۱. پلان مسجد بایزید دوم ۱۲۲
- تصویر ۳۲. پلان مسجد سلیم اول در استانبول ۱۲۵
- تصویر ۳۳. پلان مدرسه خیر بک اشرفی و پلان مدرسه قانیای قرا رماح ۱۲۶

فهرست نگاره‌ها

- نگاره ۱. رقه/نیکفور یون، مسجد جامع: دید پرنده؛ رافقه/نیکفور یون، مسجد جامع- منار مؤذنه
مُنیطر؛ و رقه/رافقه، دیوارهای شهر و ناحیه کاخ: دید پرنده ۱۳۴
- نگاره ۲. رقه/رافقه، دیوارهای شهر: دید پرنده و دروازه شمالی پس از کاوش ۱۳۵
- نگاره ۳. رقه/رافقه، مسجد جامع: دید پرنده و پرنده در ۱۹۷۳ پیش از کاوش و تزئینات گچبری طاقچه محراب ۱۳۶
- نگاره ۴. رقه/رافقه: کاخ مرکزی هارون الرشید و ایستگاه‌های هم‌جوار و کاوش محوطه کاخ
شرقی-غربی، پس از بازسازی جزئی در ۱۹۸۹ ۱۳۷
- نگاره ۵. رقه/رافقه، کاوش محوطه کاخ شرقی-غربی: دید از جنوب غرب حین کاوش و گچبری آفریز ۱۳۸
- نگاره ۶. رقه/رافقه، مجموعه شمال شرقی: دید پرنده در حدود ۱۹۳۰ و بنای اصلی، نمای شمالی با
درآیگاه میانی حین کاوش در ۱۹۸۹ ۱۳۹
- نگاره ۷. رقه/رافقه: کاوش محوطه کاخ شرقی-غربی، گچبری آفریزهای اتاق پذیرایی مرکزی،
و هرقله در نزدیکی رقه: دید پرنده در ۱۹۳۵ ۱۳۹
- نگاره ۸. بصری. ارگ: برج شمال غربی سلجوقی، مدرسه کُشتکین در مسجد مَبْرک ۱۴۰
- نگاره ۹. بصری. مدرسه کُشتکین در مسجد مَبْرک: صحن درونی با نمای ایوان شمالی و ارگ:
برج شمال غربی ایوبیان ۱۴۰
- نگاره ۱۰. بصری، مسجد عُمری: جماعت‌خانه، تزئینات گچبری محراب، و بخشی از یک آفریز
گچبری بر دیوار قبله ۱۴۱
- نگاره ۱۱. بصری، فضای درونی مسجد فاطمه (س)، دارالقرآن عبدالوحید شافعی ۱۴۲
- نگاره ۱۲. بصری، حمام مَنجک: بینه پس از مرمت؛ و دمشق، مسجد خلیل توریزی: گنبد مرقد
باطاسچه‌های مقرنس شکل [پتکانه] ۱۴۳
- نگاره ۱۳. بصری، حمام مَنجک: حجره‌های گرمابه؛ و دمشق، حمام توریزی: حجره میانی گرمابه ۱۴۴
- نگاره ۱۴. بصری، حمام مَنجک: بخشی از فضای انتقال در کُنج حجره گرمابه؛ و دمشق، حمام توریزی:

- مقرنس‌های گچ‌بری طاق حجره گرمابه..... ۱۴۵
- نگاره ۱۵. کسوه، زاویه منجک: ایوان قبله؛ و مُزْرِیب، خان؛ ورودی..... ۱۴۶
- نگاره ۱۶. حَصْنَكِيف. پل رودخانه دجله: دید کلی و فلات ارگ؛ و ارگ-کاخ اَرْتَقِیان و مسجد ایوبیان:
دید از کرانه سمت چپ دجله..... ۱۴۷
- نگاره ۱۷. پل باتمان سو در نزدیکی سیلوان؛ جیزره، پل: دید کلی؛ و جیزره، پل: نشانه‌های بتایان..... ۱۴۸
- نگاره ۱۸. دو صفحه نگارگری از در کاخ دیار بکر به دست جَزْرَى؛ و جیزره، مسجد جامع:
در مفرغی در میانه ورودی نمای جماعت‌خانه..... ۱۴۹
- نگاره ۱۹. حَصْنَكِيف، مسجد کوچ: گچ‌بری محراب در حجره گنبددار اصلی و در ایوان میانی..... ۱۴۹
- نگاره ۲۰. صحنه‌ای با پیکرها از یک صفحه از نگارگری متعلق به نسخه مملوکی رساله جَزْرَى،
به تاریخ ۱۳۱۵/۷۱۵ ق و نقش برجسته نجومی زحل [کیوان] و ترازو در جزر جنوبی..... ۱۵۰
- نگاره ۲۱. کوبه در قصر دیار بکر از جَزْرَى، کوبه مفرغی در از تفلیس، و سکه‌های سده‌های
۱۲/۶ ق و ۱۳/۷ ق متعلق به جنوب شرقی آناتولی و شمال میان‌رودان..... ۱۵۱
- نگاره ۲۲. حَصْنَكِيف، ارگ: کاخ کوچک: نمای بیرونی و دروازه دوم..... ۱۵۲
- نگاره ۲۳. حَصْنَكِيف، مسجد سلطان سلیمان: مناره و پایه با کتیبه‌ای از ۸۰۷ ق/۴۰۴-۵ م و قاب تزئینی؛
حلب، صاحبیه متعلق به ۷۶۵ ق/۶۴-۶۳ م؛ قاب پنجره؛ حَصْنَكِيف، جامع رَزَق: مناره؛
و حلب، مسجد منگلیغاشمس مناره..... ۱۵۲
- نگاره ۲۴. حَصْنَكِيف، مسجد سلطان سلیمان، صحن گنبددار با ساختاری سه ایوانی؛ و حلب،
دار الفخری: گچ‌بری سقف ایوان..... ۱۵۳
- نگاره ۲۵. حَصْنَكِيف، جامع رَزَق: قلمه مناره و پایه؛ و ماردین، مدرسه سلطان عیسی: درآیگاه..... ۱۵۴
- نگاره ۲۶. حَصْنَكِيف، مرقد: نما و طاقچه پنجره؛ و حلب، جامع دَرَج: طاقچه پنجره در نما..... ۱۵۵
- نگاره ۲۷. حَصْنَكِيف، قبر زینل بیگ: کتیبه سردر از کاشی معرق؛ و استانبول، چینیلی کوشک:
تزئینات کاشی معرق ایوان ورودی..... ۱۵۶
- نگاره ۲۸. حَصْنَكِيف، قبر زینل بیگ، و مشهد امام محمد بن عبدالله طیار: درآیگاه مرقد..... ۱۵۷
- نگاره ۲۹. مانیسا، مسجد اولو؛ سلجوق، مسجد عیسی بیگ؛ دمشق، مدرسه جقمق ارغونشاوی؛
و حلب، مسجد منگلیغاشمس..... ۱۵۷
- نگاره ۳۰. مانیسا، مسجد اولو؛ صحن؛ و ادرنه، مسجد اوچ سِرْفَلی: صحن..... ۱۵۸
- نگاره ۳۱. سلجوق، مسجد عیسی بیگ: پنجره نما؛ ایزنیک، مسجدیشیل: در ایوان بیرونی..... ۱۵۹
- نگاره ۳۲. ادرنه، مسجد اوچ سِرْفَلی و مسجد بایزید دوم..... ۱۶۰
- نگاره ۳۳. مرقد عثمان ابن اوغولتیک..... ۱۶۰
- نگاره ۳۴. قاهره، قبه الفداویه..... ۱۶۱
- نگاره ۳۵. قاهره، مدرسه خیربک اشرفی و مدرسه قانیبای قرا رماح..... ۱۶۱
- نگاره ۳۶. گیزه، مسجد کوبان مصطفی‌پاشا؛ و چراغدان‌های برنجی مملوکی..... ۱۶۲

یادداشت مترجم

این کتاب آخرین اثر میثائیل ماینکه است؛ نویسنده‌ای که برای خوانندگان و پژوهشگران ایرانی در حوزه مطالعات تاریخ معماری به نظر چندان آشنا نمی‌آید. در دیباچه، پیشگفتار و مقدمه کتاب شرح موشکافانه و کاملی از اهمیت کتاب و روش نویسنده آورده شده است. بنابراین توضیحی بیش از آن نیاز نیست. باین حال، خوانندگان درخواهند یافت که کار وی فراتر از گفتمان‌های حکمی-عرفانی یا توصیفی-تاریخی مرسوم بوده و کوشیده است تا خوانشی چندفرهنگی و اجتماعی از معماری اسلامی ارائه دهد تا از آن طریق به الگوهای برای دگرگونی در سبک‌های معماری دست یابد. نوآوری ماینکه در اینجاست که وی دریچه‌ای تازه به سوی فهم معماری اسلامی می‌گشاید که به‌غایت جامعه‌شناسانه و روایت‌گونه است. کوشیده‌ام در برگردان این کتاب -ضمن وفاداری به متن اصلی- روایتی روان نیز به دست دهم. باین همه، هیچ کاری بدون لغزش و خطا نیست. امید است این موارد افلک بوده و ضمن پذیرش آن، آرزو دارم که به دیده اغماض بدان نگرسته شود.

در پایان لازم است از انتشارات دانشگاه نیویورک که سخاوتمندانه اجازه برگردان این کتاب را به اینجانب بخشیدند، قدردانی نمایم. از مدیر ارجمند انتشارات خانم این شوذس^۱ صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از خانم مری بت جزد^۲، مدیر بازاریابی و فروش که مسئول مجوزها و حق انتشار بودند، بابت همکاری‌ها و پیگیری‌های فراوانی که در این مدت داشتند، تشکر می‌نمایم. بدون تردید دریافت مجوزهای قانونی برای انتشار این کتاب به زبان فارسی بدون همراهی و همدلی آن‌ها شدنی نبود. در نهایت ضروری است از دوست ارزنده‌ام، جناب آقای مهدی آتشی، مدیر محترم انتشارات کتابکده کسری قدردانی نمایم. انتشار این کتاب بدون همت و کوشش ایشان میسر نبود.

علی اسدپور/ شیراز ۱۴۰۲

1- Ellen Chodosh

2- Mary Beth Jarrad

دیباچه

با اندوهی عمیق، دوستان و علاقه‌مندان پروفیسور میشائیل ماینکه در مرکز آگوپ کورکیان برای مطالعات خاور نزدیک از درگذشت ناگهانی وی در دهم ژانویه ۱۹۹۵ باخبر شدند. ما با این احساس که موزه ارجمند و تأثیرگذاری را در هنر اسلامی از دست داده‌ایم، دوستان و همکاران سوگوارش را از سرتاسر جهان گرد هم آوردیم.

این کتاب که پس از درگذشت او چاپ شده است، بر پایه چهار درس‌گفتاری است که پروفیسور میشائیل ماینکه در بهار ۱۹۹۱ در مرکز و در چارچوب سخنرانی‌های آگوپ کورکیان در هنر و تمدن خاور نزدیک، ایراد کرده است. ما خلاقیت و بینش موجود در درس‌گفتارها و نیز شور بیکران شخصی وی را به یاد داریم؛ شوری که او به کسانی از ما که افتخار آشنایی اش را داشتیم، پیشکش می‌کرد. مفتخر به حضور وی در مرکز بودیم و او را سرزنده و انسانی باروحیه و نیز بزرگ‌منش و محقق در یاد داریم.

دست‌نویس [کتاب]، شامل برگزیدن جای عکس‌ها و تصاویر در متن، به هنگام درگذشت پروفیسور ماینکه به انجام رسیده بود. ما وام‌دار و بسیار سپاس‌دار پروفیسور پریسیلا سوچک^۱، استاد هنر اسلامی در آگوپ کورکیان، هستیم؛ برای مساعدتی که در ویرایش دست‌نویس تا فرجام داشته و اطمینان حاصل نموده که آرزوهای پروفیسور ماینکه محقق شده‌اند. این کار برای پریسیلا به‌واقع کاری از سر عشق بود. انتشارات دانشگاه نیویورک و به‌ویژه دسپینا پایازوگلو گیمبل^۲ با شکیبایی بی‌اندازه و از خودگذشتگی بسیار کار نمودند تا دست‌نویس را به شکل کنونی برسانند.

مرکز کورکیان مفتخر است که توانست دست‌نویس پروفیسور ماینکه برای سخنرانی را به ثمر برساند. ما به یادبود پروفیسور ماینکه این کتاب را به همسرش دکتر ویکتوریا ماینکه-برگ پیشکش می‌کنیم؛ چراکه باور داریم وی نیز این‌چنین آرزو داشت.

جیل ان. کلاستر^۴

1- Hagop Keverkian Center for Near Eastern Studies

2- Priscilla Soucek

3- Despina Papazoglou Gimbel

4- Jill N. Claster

پیشگفتار

میشائیل ماینکه در این جستارها، دانش موشکافانه قابل توجه خود در معماری اسلامی را به کار برده است تا دگرگشت آن را بکاود. بیشتر تحلیل‌های مرسوم اغلب اوقات بر شکوفایی خطی سنت‌های منطقه‌ای ساخت‌وساز تمرکز دارند که یا بر پایه دودمان‌ها چیدمان شده‌اند و یا بر پایه دسته‌بندی‌های گونه‌شناختی. بیشتر آن‌ها اغلب به یادمان‌هایی در مرزهای دولت-ملت‌های مدرن محدود هستند. با اینکه وجود سنت‌های منطقه‌ای گسترده انکارناپذیر است ولی شکوفایی معماری در تمامی کانون‌ها به‌جز بزرگ‌ترینشان، به‌دفعات چندپاره است و برخی اوقات جابه‌جایی‌های روشنی را از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر آشکار می‌سازد. جستارهای ماینکه بازنگری در جنبه‌های گوناگونی را پیشنهاد می‌دهد که در جریان‌های سنتی پژوهش همچنان نامأنوس مانده‌اند.

ماینکه در چهار نمونه موردی، چگونگی دگرگونی در نیروی کار محلی همچون جابه‌جایی استادکاران خبره- را می‌کاود تا به تبیین دگردیسی‌ها در شکوفایی معماری اسلامی یاری رساند. در برخی نمونه‌ها، جابه‌جایی هنرکاران از منطقه‌ای به منطقه دیگر پیامد رفتار یک حامی است ولی در دیگر نمونه‌ها، ناشی از ابتکار عمل خود استادکاران است. بیشتر اوقات این دو عامل باهم تعامل دارند تا بر خصلت بناها و برنامه‌های تزئیناتشان اثر گذارند.

جستار نخست ماینکه بر شهر رقه در دره رود فرات متمرکز است و از نتایج کاوش‌هایی که در دهه‌های اخیر به انجام رسیده‌اند، بهره می‌برد. این‌ها نقش انتقادی دودمان عباسی در شکوفایی شهر را به نمایش می‌گذارند. برنامه‌های ساختمانی با اوج‌گیری و کمرنگ‌شدن توجه حامیان به رقه، بسط یافته یا سفارش داده می‌شدند. ارتباط میان رقه و کانون‌های کلان‌شهرها در ایران آنچنان نزدیک بود که برخی از یادمان‌های سوری می‌توانند برای بازسازی مراحل مفقودشده شکوفایی هنری در زادبوم دودمان [ایرانی آثار] به کار آیند.

تاریخ معماری بصری، در شمال دمشق، چالش بسیار متفاوتی دارد. در آنجا بناهایی از دوره‌های

1- Evolution

2- Transformation

گونگون، شماری ویژگی را به اشتراک می‌گذارند که برخاسته از سنت ساخت‌وساز محلی است؛ [سنتی] که از تخته‌سنگ‌های بازالت به‌مثابه ساخت‌مایه سقف‌زنی بهره می‌برد. با این حال، هر از چندگاهی بناهایی خلق شدند که از این محدودیت‌های فنی فراتر می‌رفتند. ماینکه چنین تغییر جهت‌هایی را از خلال اقدامات حامیانی تبیین می‌کند که در طلب ارتقای سطح هنری استادکاران محلی به‌واسطه فراخواندن کارآزمودگانی از دمشق بودند.

شاید چالش‌برانگیزترین نمونه‌ای که ماینکه عرضه می‌کند، توضیحات وی در باره نوسان‌های بی‌مانند در تاریخ معماری خصنکیف، دژی مشرف بر رودخانه دجله در جنوب شرقی ترکیه، باشد. معماری این کانون کمابیش منزوی شامل آثاری از چندین سنت مجزا است. در مرحله جانشینی بومیان آناتولی است که سازه‌ها به نقش برجسته‌های گیاهی مزین شدند؛ یکی از مواردی که بناهای آن پیوندی نزدیک و هم‌زمان با کارهای سنگی حلب و سنت‌های تزئینی ایران به‌ویژه در گچ‌بری و ساخت طاق‌های مقرنس‌دار را به نمایش می‌گذارند؛ و سرانجام مرحله‌ای که جنبه‌های سازه‌ای و تزئینی هر دو به بدلی از نمونه‌های ایران تبدیل شدند. ماینکه این نوسان‌ها را هم با شکوفایی‌های محلی و هم با شکوفایی‌های میان‌منطقه‌ای پیوند می‌دهد.

جستار پایانی وی بر پیش‌گسترده‌تر متمرکز است و آن راه‌هایی است که از طریق آن‌ها سنت‌های معماری دودمان‌های مملوکی و عثمانی با یکدیگر پیوندی درونی یافتند. او به‌ویژه به آزمون نقش هنرکارانی از سوریه و مصر در شکل‌دهی به اصطلاح رو به تکامل معماری عثمانی می‌پردازد. وی نقش پلان‌های سوری در مساجد عثمانی و تأثیر بت‌ایان سوری در ساخت‌وسازهای سنگی آناتولی را می‌کاود. به‌عنوان نمونه‌ای برای نشان دادن اینکه چگونه فرم‌ها منتقل شده‌اند، وی به پیشینه استادکاری اهل دمشق به نام علی بن موشمیش دمشقی، کسی که در مسجدی در سلجوق در افسس باستان کار می‌کرد، استناد می‌کند؛ [استادکاری که] دو نسل از فرزندان وی در خدمت عثمانیان بودند. ماینکه سرانجام این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه شکست عثمانیان از مملوکان بر کارهای معماری هم در آناتولی و هم در مصر تأثیر گذاشته است.

این جستارهای پردامنه، برهانی شیوا هستند بر نیاز به مواجهه‌ای مبتنی بر دورنمای گسترده تاریخی و تاریخی-هنری به تاریخ معماری اسلامی. بدون تردید شیوه‌هایی که ماینکه به کار گرفته است الهام‌بخش دیگران هستند تا با تقلید از رویکرد وی به مطالعه مناطق و نواحی دیگر بپردازند. با این حال، تنها افراد اندکی می‌توانند به تسلط استادانه وی به موضوع دست یابند؛ [تسلطی] که به این جستارها زندگی بخشیده‌اند.

پریسیلا سوچک

استاد هنر اسلامی در آگوپ کورکیان

مؤسسه هنرهای زیبا

دانشگاه نیویورک

مقدمه

به‌طور معمول معماری جهان اسلام که کمابیش یک سده به‌طور سامانمند مورد پژوهش قرار گرفته است، مبتنی بر چندین جریان تثبیت‌شده بررسی می‌شود. بیشتر اوقات بناها در منابع مرجع در یک توالی گاه‌شناسانه توصیف و بر اساس دودمان‌های سیاسی گروه‌بندی می‌شوند که در نتیجه آن، دگرگشتی شکلی مبتنی بر اثبات‌گرایی ارائه می‌گردد. رویکرد دیگر مبتنی بر [ساخت بخش‌ها و] زیربخش‌ها بر اساس عملکردهای گوناگون بناها است که دگرگونی‌های گونه‌شناختی را تعریف می‌کند ولی شکوفایی‌های سبک‌شناختی را نادیده می‌گیرد. در بیشتر موارد، پژوهش در زمینه معماری اسلامی بر خصلت‌های ملی متمرکز است؛ [این پژوهش‌ها] کمابیش به‌طور اجتناب‌ناپذیری حاصل طبقه‌بندی‌هایی بر اساس خاستگاه‌های قومی حامیان عرب، ایرانی یا ترک هستند. به همین ترتیب مطالعاتی که در مرزهای [جغرافیایی دنیای] مدرن تعریف می‌شوند نیز به هنر و معماری ترکیه، ایران و مصر - اگر بخواهیم تنها شماری از گزینه‌های با بیشترین فراوانی را نام ببریم - اختصاص دارند. بی‌تردید هر یک از این روش‌ها در وسعت بخشیدن به دانش ما از معماری اسلامی تأثیرگذارند؛ با این حال، کتاب حاضر رویکرد متفاوتی را پی می‌گیرد؛ به جای تعریف دگرسانی‌های محلی، من در اینجا بر تشابهاتی تأکید دارم که پیامد روابط دوسویه با همسایگان یا نواحی دوردست هستند با این هدف که الگوهای پایه در دگرگونی‌های سبک‌شناختی را نمایان سازند.^(۱)

از این حیث برخی ملاحظات کلی می‌بایست هرچند سردستی بیان شوند تا بتوان رویکرد روش‌شناسی [این کتاب] را تبیین کرد. نخست، آن‌چنان‌که در پژوهش‌های پیشین آشکار گردیده، خصلت‌های محلی می‌بایست بنیانی راستین و انکارناپذیر انگاشته شوند. به‌عنوان نمونه، در دسترس بودن یا کمبود ساخت‌مایه‌های ساختمانی تعیین‌کننده مرجع بودن به‌کارگیری روش‌های بیانی گوناگون مانند خشت خام، خشت پخته [آجر]، سنگ یا چوب هستند که نه تنها مهارت‌های ویژه‌ای را در ساخت طلب می‌نمودند بلکه ویژگی‌های معماری را نیز تعیین می‌کردند. بیشتر اوقات

پیامدهای این دگرسانی‌ها^۱ سبب می‌شد خصلت نواحی فرهنگی پهناورتری تعیین شود؛ چراکه مکتب‌های محلی معماری در شهرهای اسلامی آن‌قدر دیرپا نبودند تا بتوانند سنت‌های مجزایی را قالب‌بندی کنند. در مقابل، بیشتر اوقات این مراکز کمابیش اندک شهری که حاصل شکوفایی سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام بودند، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر پالندگی‌های معماری^۲ داشتند.^(۱) تغییرات مشهود در دگرگشت منطقه‌ای معماری بیشتر اوقات بازتابی از دگرگونی ایجادشده به دست شاهکارهای پیشین هستند. از میان چنین یادمان‌های جهانی معماری دست‌کم دو بنای پیش از اسلام اهمیتی بیش از دیگران دارند: طاق کسرای ساسانیان در تیسفون و کلیسای بیزانسی ایاصوفیه در استانبول. سه بنای یادمانی اسلامی نیز تأثیراتی فراتر از دسترس داشتند: قبة الصخره امویان در اورشلیم [بیت‌المقدس]، مسجد جامع دمشق و سرانجام مسجد جمعه [جامع] سلجوقی اصفهان.^(۲) افزون بر این‌ها، امتیاز نوآوری‌های معماری در نواحی گوناگون این بود که نمونه‌هایی برای مجموعه‌ای از طرح‌های تکرارشونده فراهم می‌کردند. انگیزه‌های روشنفکرانه برای پیروی از استانداردهای پیشین در بیشتر موارد حاصل خواست شاهانه حامیانی است که در طلب بنایی همسنگ یا در برتبه‌ای والاتر نسبت به بناهای یادمانی تحسین‌برانگیز قدیمی‌تر بودند. ولی به‌واقع تحقق آن به مهارت‌های هنرمندان و پیشه‌وران در پیگیری منویات حامیان بستگی داشت. به‌راستی این نقش هنرمندان است که موضوع کلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. هرچند کوشش شخصی در دستیابی به کمال مشخصه همه هنرمندان با استعداد است، ولی همچنان به سفارش‌هایی دشوار برای رشد استعدادهای خود نیز احتیاج دارند. در نتیجه، همان‌طور که کی. ای. سی کرسول جایی به‌درستی اظهار داشته، همواره «نسل مهاجری»^(۳) از هنرمندان و معماران در جستجوی مأموریت‌های چالش‌برانگیز در تمامی دوره‌ها گرد هم می‌آمدند. از این نظر، معماری اسلامی می‌تواند مبتنی بر انتقال تجربه‌ها تفسیر شود و به دست هنرمندان مهاجر، چه آنانی که برای خود کار می‌کردند و چه آن دسته که در همراهی با دیگر کارآزمودگان در یک کارستان هنری بزرگ‌تر یا با پیوستن به مکاتب منطقه‌ای معماری در بازه‌های زمانی کوتاه به کار مشغول می‌شدند، به‌غایت رسیده باشد.^(۴)

فصل‌های پیش رو به نمونه‌های موردی جداگانه‌ای اختصاص دارند که چهار الگوی متفاوت را در به خدمت گرفتن هنرمندان نشان می‌دهند به‌نحوی که همه آن‌ها به دگرگونی‌های سبک‌شناختی تعیین‌کننده‌ای منتج شده‌اند؛ در رقه، شهر متقدم اسلامی در کرانه فرات (فصل ۱)، میل شاهانه بر خلق کلان‌شهری نو بود که با نیروی کار اجباری حاصل آمد. شکوفایی دمشق، پایتخت سوریه،

1- Variation

2- Architectural

در سده‌های میانه نتیجه هجوم هنرمندان خبره‌ای بود که سنت محلی معماری را [در آنجا] و در دیگر ولایت‌ها دگرگون ساختند؛ این موضوع در بناهای یادمانی مسلمانان در شهر ماندگار بصری نشان داده شده است (فصل ۲). در خصنکیف در کرانه رودخانه دجله (فصل ۳)، هنرمندانی با پیشینه‌های در حال تغییری که از آنجا گذشته بودند، مجموعه‌ای از بناهای یادمانی متنوعی را بر پایه سنت‌های نواحی دوردست برپا کردند. و سرانجام جابه‌جایی هنرمندان در رقابت‌های سیاسی در امپراتوری‌های مملوکی و عثمانی (فصل ۴) گواهی است بر تأثیراتی ناپایدار که حاصل تغییر در مسیر شکوفایی سیاسی هستند.

یادداشت‌ها

۱. این دیدگاه در تک‌نگاری‌های من دربارهٔ سرامیک‌های تزئینی آناتولی، و معماری مملوکان مصر و سوریه نیز بیان شده است (ماینکه، ۱۹۷۶ و ۱۹۹۲).

۲. دربارهٔ مکاتب منطقه‌ای معماری در عصر ایوبیان، نک:

Terry Allen, *Five Essays on Islamic Art* (Sebastopol, 1988), pp. 91-110. "The concept of regional style".

برای دورهٔ بعدی، نک:

Michael Meinecke, "Mamluk architecture. Regional architectural traditions: Evolution and inter-relations," *Damaszener Mitteilungen* 2, 1985, pp. 85-105.

۳. بناهای یادمانی تأثیرگذار جهانی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. به‌عنوان نمونه، تحلیل‌های بی‌مانندی در یکی از مجلدات پیشین این مجموعه کتاب، قابل اشاره است:

Oleg Grabar, *The Great Mosque of Isfahan* (New York and London, 1990).

4. Creswell, *MAE I* (1952), p. 163.

۵. همان‌طور که در مجموعه‌ای از مطالعات دقیق و نقل‌قول‌هایی در یادداشت‌های فصل‌های آتی اشاره شده است؛ برای بررسی کلی هنرمندان مسلمان، نک:

Michael Meinecke, "Zur sogenannten Anonymität der Künstler im islamischen Mittelalter," in Adalbert J. Gail, ed., *Künstler und Werkstatt in den orientalischen Gesellschaften* (Graz, 1982), pp. 31-45.